

ارزش داوری‌های تاریخی ناهمگن درباره اصحاب امام خاص امام سجاده (ع)^۱

عباس میرزایی نوکابادی^۲

تاریخ ارسال: ۹۶/۱۰/۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲۱

چکیده

روایت‌ها و گزارش‌های گوناگونی درباره اصحاب خاص امام سجاده (ع) در منابع حدیثی و رجالی امامیان نقل شده است. برخی بر پایه این گزارش‌ها جایگاه و مقامات خاصی برای این گروه از اصحاب در تاریخ حدیث امامیه لحاظ کرده‌اند. پرسش مطرح این است که به‌واقع چه میزان از این گزارش‌ها با واقعیت‌های تاریخی همراه است و این که آیا در صورت راستی آزمایی با دیگر گزاره‌های معرفتی می‌توان این ویژگی‌های متمایزکننده خاص را اثبات کرد؟ براساس گزارش‌های موجود، به نظر می‌رسد می‌توان در تطابق تاریخی و درستی این گزارش‌ها تردید کرد چرا که داده‌های تاریخی با محتوای این گزارش‌ها همراهی آشکاری ندارد. از این رو با مطالعه کتابخانه‌ای و استناد به منابع گوناگون سنی و شیعی به بررسی تعاملات این دسته از اصحاب با امام سجاده (ع) و جایگاه حدیثی آنان در مجامع روایی امامیه پرداخته شده و نشان داده شده

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2019.18322.1529

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه شهید بهشتی؛ a_mirzaei@sbu.ac.ir

است که این طیف از اخبار نمی‌تواند به‌تنهایی دلیلی بر وثاقت و جایگاه منحصر به فرد آنان در تاریخ اندیشه امامیه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: تاریخ حدیث امامیه، اصحاب امام سجاده(ع)، ابواب، حواری.

مقدمه

روایت‌ها و گزارش‌هایی در منابع امامیه نقل شده است که در آن‌ها طیف خاصی از اصحاب امام سجاده(ع) با ویژگی‌های متمایز معرفی شده‌اند. مثلاً در گزارش‌هایی عده‌ای از اصحاب با عنوان «حواری» و یا عده‌ای دیگر با عنوان «باب» ائمه متعین شده‌اند. این مقاله از طریق بررسی این دسته از اخبار به بررسی اصحابی از امام سجاده(ع) خواهد پرداخت که در قالب حواری، باب یا ثقات معرفی شده‌اند؛ این که به‌واقع این اخبار تا چه میزان می‌تواند در بررسی رجالی اصحاب ائمه و جرح و تعدیل آنان مورد اعتنا قرار بگیرد. دیگر این که آیا آن‌گونه که گفته شده می‌توان با عناوینی چون حواری یا باب وجه متمایزی برای پاره از اصحاب نسبت به برخی دیگر قائل شد؟

درباره این موضوع پیشینه خاصی یافت نشد و شاید بتوان این نوشته را اولین قدم در این راه دانست. البته برخی از تک‌گزارش‌ها به‌طور خاص مورد بررسی قرار گرفته است که می‌توان به نظرات انتقادی علامه حلی(م. ۷۲۶ق.) (علامه حلی، ۱۴۱۷: ۱۵۶-۱۵۷) و شهید ثانی(م. ۹۶۵ق.) (شهید ثانی، ۱۴۲۲: ۹۸۶/۲) از میان متقدمان، زین‌الدین عاملی(م. ۱۰۱۱ق.) (عاملی، ۱۴۱۱: ۱۲۱ و ۴۸۷) از متأخران خویی(در این باره ر.ک خویی، ۱۴۱۳: ۱۵۷/۴ و ۳۵۶ و ۱۳۹/۹ و ۲۱۵/۱۰) و تفرشی (تفرشی، ۱۴۱۸: ۴۰۳/۱ و ۲۳۱/۲-۲۳۲) از معاصران درباره حدیثی که حواری ائمه را معرفی می‌کند اشاره کرد. درباره حدیث ارتداد بعد از جریان عاشورا هم می‌توان به نقدهای خویی اشاره کرد(خویی، ۱۴۱۳: ۳۵۶/۴). هیچ‌کدام از این بررسی‌ها اصحاب خاص ادعایی برای امام سجاده(ع) و روابط و تعاملات و تقابلات آن‌ها با امام را بحث نکرده است و تنها به صورت کلی به ضعیف بودن و غیرقابل اطمینان بودن سند و محتوای این اخبار اشاره کرده‌اند.

این پژوهش با تکیه بر منابع تاریخی، رجالی، حدیثی شیعه و اهل سنت به بررسی گزارش‌های مرتبط با اصحابی که گفته می‌شوند از اصحاب خاص امام سجاده(ع) و شخص امام بودند پرداخته و تلاش می‌کند با بررسی‌های تاریخی و حدیثی تعاملات و ارتباطات این افراد با امام سجاده(ع) را مورد بازخوانی قرار دهد. محور اصلی مقاله راستی‌آزمایی گزارش‌هایی است که مدعی معرفی کردن حواری، ابواب و ثقات امام(ع) هستند و این که آیا اخبار مربوط به این افراد توان اثبات حواری یا باب بودن آن‌ها را دارد یا خیر؟

هدف از این پژوهش روشن شدن فضای ارتباطی امام سجاد(ع) و پاره‌ای از اصحاب است و در واقع تلاش می‌کند تا حدی پرده از میزان فعالیت‌های امام سجاد(ع) بردارد. همچنین تلاش می‌کند نشان دهد با این طیف از احادیث نمی‌توان به صورت خوش‌بینانه مواجه شد و بررسی آن‌ها با گزارش‌های تاریخی و حدیثی تغییراتی را در بررسی حدیثی و جایگاه رجالی آن افراد ایجاد می‌کند. به نظر می‌رسد این گونه پژوهش‌ها فضا برای تحلیل دوران امام سجاد(ع) هموارتر سازد. نتایج این پژوهش نشان داد این روایات نمی‌تواند دلیل بر وثاقت و تعدیل افراد به‌عنوان معیاری تلقی شود و افزون بر ضعف‌های سندی از نظر محتوایی هم با آنچه در واقعیت میان امام و این اصحاب اتفاق افتاده متفاوت است. از این رو حداقل وجهی که می‌توان برای برخی از این افراد با توجه به این طیف از روایت‌ها قائل شد این است که این روایت‌ها تنها می‌تواند دلیلی بر حُسن اعتقاد آنها مورد لحاظ قرار گیرد.

روایت‌های مبین اصحاب خاص

درباره اصحاب خاص امام سجاد(ع) مجموعاً شش گزارش مختلف بیان شده است. سه گزارش از امام صادق(ع)(م.۱۴۸ق.) یک گزارش از امام کاظم(ع)(م.۱۸۳ق.) و از محمد بن عمر کشی(م) نیمه اول سده چهارم) و صاحب‌الاختصاص هم هر کدام یک خبر نقل شده است. در یکی از گزارش‌ها امام صادق(ع) می‌فرمایند بعد از شهادت امام حسین(ع) تنها ابوخلد کابلی، یحیی بن أم الطویل، جابر بن عبدالله انصاری و جبیر بن معطم بودند که مرتد نشدند و بر راه اهل بیت باقی ماندند. (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۸/۱؛ شیخ مفید منسوب، ۱۴۱۴: ۶۴ و ۲۰۵). امام صادق(ع) در گزارش دومی در ضمن روایتی به کمی اصحاب امام سجاد(ع) اشاره می‌کند و از ابوخلد کابلی، یحیی بن ام طویل، سعید بن مسیب و عامر بن واثله و جابر بن عبدالله انصاری نام می‌برد که این‌ها شاهدانی هستند بر آنچه که امام سجاد(ع) انجام داده است (کوفی: ۱۳۹۹: ۱۰۴-۱۰۵). امام صادق(ع) هم چنین در سومین گزارش ابوخلد کابلی، سعید بن مسیب و قاسم بن محمد بن ابی بکر را از ثقات امام سجاد(ع) برشمرده است (کلینی، ۱۳۶۳: ۴۷۲/۱). در گزارش امام کاظم(ع) هم ابوخلد کابلی، یحیی بن أم طویل، سعید بن مسیب و جبیر بن معطم حواری امام سجاد(ع) معرفی شده‌اند (فتال نیشابوری، بی‌تا: ۲۸۲-۲۸۳؛ شیخ مفید منسوب، ۱۴۱۴: ۶۱-۶۲). در پنجمین گزارش کشی از قول فضل بن شاذان ابوخلد کابلی، یحیی بن أم الطویل، سعید من مسیب، محمد بن جبیر بن معطم، و سعید بن جبیر را از نخستین اصحاب امام سجاد(ع) نام می‌برد که در اول امامت حضرت همراه ایشان بوده‌اند (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۲/۱). در آخرین گزارش هم صاحب‌الاختصاص اصحاب خاص

امام سجاده (ع) را ابو خالد کابلی، یحیی بن أم الطویل، مطعم، سعید بن مسیب مخزومی و حکیم بن جبیر معرفی می‌کند (شیخ مفید منسوب، ۱۴۱۴: ۸).

بررسی ارتباطات اصحاب خاص با امام (ع)

در این قسمت هر کدام از اصحابی که در گزارش‌های بالا نام برده شده‌اند به تفصیل مورد بررسی تاریخی و حدیثی قرار خواهند گرفت.

یحیی بن أم طویل

یحیی بن أم طویل فرزند دایه امام سجاده (ع) بوده (ابن داود، ۱۳۹۲: ۲۰۲؛ حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹: ۶۴-۶۵) و احتمالاً از همان کودکی با امام سجاده (ع) آشنا شده است. وی یکی از اصحاب حلقه نخست امام سجاده (ع) به شمار می‌رود که در راستای جذب افراد و آشنا کردن امام با برخی از افراد تلاش‌هایی می‌کرده است (برای نمونه ر.ک: ۱. جذب ابو خالد کابلی: طبری، ۱۴۱۵: ۲۰۹؛ ۲. جذب ام‌الاسود خواهر زراره: زراری، ۱۳۹۹: ۲۱. ۳. جذب حمران: همان، ۱۳۹۹: ۲۷). گفته شده وی باب (کاتب بغدادی، بی تا: ۳۲-۳۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳۱۱/۳) و از حواریون (قتال نیشابوری، بی تا: ۲۸۲-۲۸۳) امام سجاده (ع) بوده و نامش تقریباً در تمام گزارش‌هایی که اصحاب خاص حضرت را معرفی می‌کنند وجود دارد. یحیی بن أم طویل یکی از سه نفری نام برده شده که از همان آغاز امامت امام سجاده (ع) همراه ایشان بوده است. (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۸/۱) وی در برخی از مسافرت‌های امام (ع) مصاحب ایشان (بصائر، ۱۴۰۴: ۳۰۶) و حتی شاهد برخی از کرامات امام (ع) نیز بوده است. (حسین بن عبدالوهاب، ۱۳۶۹: ۶۴-۶۵). ظاهراً هیچ حدیثی از امام سجاده (ع) از طریق او گزارش نشده و باید وی را از اصحاب بی‌روایت امام سجاده (ع) دانست^۱ ولی برخی از فعالیت‌های او در کوفه (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۷۹/۲-۳۸۰) و مدینه (شیخ مفید منسوب، ۱۴۱۴: ۶۴) در راستای اندیشه‌های تشیع امامی گزارش شده است. گرچه به نظر می‌رسد فعالیت‌های وی به اندازه‌ای بوده که برخی از بزرگان را بر آن داشته تا کتابی در این باره نگارش کنند (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۹۷-۳۹۸) سرانجام یحیی به دست حجاج بن یوسف ثقفی (م. ۹۵ق.) شهید شد (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۸/۱-۳۳۹).

۱. (به غیر از یک مورد. در این باره. ر.ک: (حسن بن محمد دلمی، بی تا: ۱۱۹) که به نظر این یک مورد هم صحیح نمی‌باشد (در این باره ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ۱۴۴/۲))

ابو خالد کابلی

ابو خالد کابلی خادم (طوسی، ۱۴۰۴: ۱/۳۳۷-۳۳۸) یکی دیگر از اصحاب خاص امام سجاد(ع) می‌باشد (کوفی: ۱۳۹۹: ۱۰۴-۱۰۵) که حواری (فتال نیشابوری، بی تا: ۲۸۲-۲۸۳) و باب حضرت نام برده شده است (کاتب بغدادی، بی تا: ۳۲-۳۳). وی یکی از سه نامرتدین راه اهل بیت بعد از قیام عاشورا است (طوسی، ۱/۳۳۸/۱۴۰۴) که نامش جزو پنج نفری دیده می‌شود که از همان آغاز امامت امام سجاد(ع) همراه حضرت بوده است (طوسی، ۱۴۰۴: ۱/۳۳۲). امام صادق(ع) وی را از ثقات امام سجاد(ع) معرفی می‌کند (کلینی، ۱/۴۷۲) و حتی اخلاص و وفاداری خود نسبت به امام سجاد(ع) را بر امام باقر(ع) عرضه می‌کند و امام تأیید می‌نماید (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۹۹-۳۰۰).

ابو خالد روایات فراوانی از امام سجاد(ع) نقل کرده و یکی از حلقه‌های نشر معارف امام(ع) بوده است. ابو حمزه ثمالی (برای نمونه ر.ک: شیخ صدوق، ۱۴۰۵: ۳۱۹-۳۲۰؛ طوسی، ۱۳۶۴: ۵۰/۹) و سعید بن جبیر (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳/۲۷۸) از جمله اصحاب امام سجاد(ع) هستند که پاره‌ای از روایات این امام را از طریق ابو خالد نقل کرده‌اند. برخی از اصحاب امام باقر(ع)، امام صادق(ع) و حتی امام کاظم(ع) مانند معمر بن یحیی (برقی، ۱/۱۳۷۰/۱۳۹؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۶۵۵)، ضریس بن عبدالملک (طوسی، ۱/۳۳۶/۱۴۰۴؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶-۴۷)، بشیر/بشر الكناسی (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۴۵)، عبدالحمید بن عواض طایی کوفی (حلی، ۱۳۷۰: ۴۴) و میسر بن عبدالعزیز نخعی کوفی (برقی، ۱۳۷۰: ۱/۱۶۵) از روایانی هستند که روایات امام سجاد(ع) را طریق ابو خالد روایت کرده‌اند.

درباره گرایش وی به امام سجاد(ع) سه گزارش وجود دارد: نخست این که ابو خالد از قائلین به امامت محمد بن حنفیه بوده که گویا با راهنمایی محمد بن حنفیه و دیدن کرامتی از امام سجاد(ع) به حضرت روی می‌آورد (طوسی، ۱/۳۳۶-۳۳۷). گزارش دیگری هم تلاش‌های یحیی بن أم الطویل را عامل جذب ابو خالد به امام سجاد(ع) معرفی می‌کند (در این باره ر.ک: طبری، ۱۴۱۵: ۲۰۹؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۱/۴۸۶) و گزارش سوم می‌گوید که وی در ابتدا نزد حسن بن حسن(ع) (حسن مثنی) می‌رود و از وی مطالبه علائم امامت، مانند سلاح رسول الله، می‌کند (ابن حمزه، ۱۴۱۲: ۳۶۳-۳۶۴). سپس نزد امام سجاد(ع) می‌رود و با دیدن کرامتی معتقد به امامت امام سجاد(ع) می‌شود (ابن حمزه، ۱۴۱۲: ۳۶۳-۳۶۴). البته امام(ع) سلاح و دیگر میراث پیامبرص را نیز نشان ابو خالد می‌دهد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳/۲۷۸) درباره سرانجام ابو خالد گفته که حجاج وی را تحت تعقیب قرار می‌دهد. او هم فرار می‌کند به سمت مکه در آنجا مخفی می‌شود و جان خود را نجات می‌دهد (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۹).

جیبر بن مطعم / محمد بن جبیر بن مطعم / حکیم بن جبیر

جیبر بن مطعم بن عدی بن نوفل بن عبدمناف یکی دیگر از اصحاب خاص، حواری (فتال نیشابوری، بی تا: ۲۸۲-۲۸۳) و از شخصیت‌هایی نام‌برده شده است که در کنار یحیی بن اُم الطویل و ابو خالد کابلی، بعد از عاشورا بر راه اهل بیت باقی ماند و امام سجاده (ع) را همراهی کرد (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۸/۱). نکتهٔ ابهام‌آمیزی که درباره وی وجود دارد عدم تطابق سن وی با دوران امامت امام سجاده (ع) است. اگر به گزارش منحصر به فرد ابن حبان، که سال وفات وی را ۷۳ق. معرفی می‌کند (ابن حبان، ۱۴۱۱: ۳۲) توجه نکنیم، تراجم‌نگاران اواسط خلافت معاویه (سلیمان بن خلف، بی تا: ۴۶۴/۱) سال ۵۷ق. (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۵۰/۳) و سال ۵۹ق. (ابن حبان، ۱۴۱۱: ۳۲) را سال وفات جیبر بن مطعم ذکر کرده‌اند. از این رو با توجه به قول اکثریت تراجم‌نگاران بعید است که وی را بتوان جزء اصحاب امام سجاده (ع) دانست. احتمالاً هم ازین روست که شیخ طوسی نامی از وی به میان نبرده است (در این باره ر. ک: علامه حلی، ۱۴۱۷: ۶۱). همین عدم تطابق سن جیبر بن مطعم با سال‌های امامت امام سجاده (ع) (از ۶۱ق. تا ۹۴ق. حدوداً) باعث شده تراجم‌نگاران معاصر نظرات دیگری بیان کنند. برخی معتقد شده‌اند که دو جیبر بن مطعم وجود داشته است. جیبر بن مطعم حواری امام سجاده (ع) و جیبر بن مطعم صحابی رسول خدا (شاهرودی، ۱۴۱۲: ۲۱۹/۲). برخی گفته‌اند که جیبر بن مطعم محرف حکیم بن جبیری است که در منابع امامی از وی یاد شده است و معنا ندارد صحابی رسول خدا از حواری امام سجاده (ع) دانسته شود (تستری، ۱۴۱۹: ۱۴۹/۹-۱۵۰). برخی دیگر بر پایه گزارش کشی از قول فضل بن شاذان و همچنین نظر شیخ طوسی شخص مورد نظر را محمد بن جبیر بن مطعم دانسته‌اند (خویی: ۱۴۱۳: ۳۵۶/۴). این قول با توجه به گزارشی که کشی بیان می‌کند و سن محمد بن جبیر بن مطعم موجه به نظر می‌رسد و احتمالاً در گزارش‌هایی که اصحاب یا حواری امام سجاده (ع) را مطرح می‌کند نام «محمد» از نسخه اصلی به هر علتی افتادگی پیدا کرده است ولی مشکل این جاست که هیچ گزارشی مبنی بر این‌که وی با امام سجاده (ع) ارتباطی داشته در اختیار نیست؛ حتی هیچ روایت هم از ایشان و دیگر ائمه نخستین هم نقل نکرده است. همین مسئله شاید باعث شده برخی بر این باور شوند که محمد بن حکیم بن جبیر هم محرف حکیم بن جبیر است. این نظریه می‌گوید که محمد بن جبیر در خیر کشی محرف حکیم بن جبیر است که برقی، شیخ طوسی و الاختصاص وی را از اصحاب امام سجاده (ع) شمرده‌اند (تستری، ۱۴۱۹: ۱۴۹/۹-۱۵۰). به نظر می‌رسد این نظریه اخیر به صواب نزدیک‌تر باشد زیرا غیر از منابع امامی، تراجم‌نگاران اهل سنت هم به شاگردی وی نزد امام سجاده (ع) اشاره کرده‌اند (مزی، ۱۴۰۶: ۱۶۶/۷؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۷۹/۸). افزون بر این که روایات امام از طریق حکیم

بن جبیر هم در منابع شیعی (به عنوان نمونه بنگرید: فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰: ۱۵۹-۱۶۰؛ شیخ مفیدج، ۱۴۱۴: ۱۳) و هم منابع سنی (به عنوان نمونه بنگرید ک بیهقی، ۱۴۱۰: ۲۵۶/۵؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ۴/۳) گزارش شده است. همین گرایش‌های شیعی وی هست که اهل سنت وی را به خاطر تشیع از نظر رجالی تضعیف کرده و از وی حدیثی نقل نمی‌کنند (به عنوان نمونه ر.ک: قزوینی، بی تا: ۵۸۹/۱؛ نسایی، ۱۴۰۶: ۱۶۶). حکیم بن جبیر یکی از حلقه‌های نشر معارف امام سجاد(ع) در کوفه به شمار می‌رود و راویان فراوانی احادیث امام سجاد(ع) را از وی در کوفه نقل کرده‌اند. وی از طبقه پنجم راویان حدیث است (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۲۳۴/۱) و به احتمال فراوان دوران امام باقر(ع) را درک کرده است.

سعید بن مسیب

سعید بن مسیب (م. ۹۳/۹۴ق.). که ابن شهر آشوب وی را از تربیت‌شدگان امیرالمؤمنین (ع) نام می‌برد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳۱۱/۳) یکی دیگر از اصحاب خاص امام سجاد(ع) است. نام وی در اکثر گزارش‌هایی که اصحاب خاص امام (ع) را معرفی می‌کنند، مانند روایت امام صادق (ع) (کوفی: ۱۳۹۹: ۱۰۴-۱۰۵) و امام کاظم ع، (فتال نیشابوری، بی تا: ۲۸۲-۲۸۳) فضل بن شاذان (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۲/۱) و گزارش اختصاص (شیخ مفید منسوب، ۱۴۱۴: ۸) به چشم می‌خورد. وی از حواریان (فتال نیشابوری، بی تا: ۲۸۲-۲۸۳) و شاهدانی نام برده شده که امام سجاد(ع) می‌تواند بر آن نسبت به کارهایی که انجام داده احتجاج کند. (کوفی: ۱۳۹۹: ۱۰۴-۱۰۵). امام صادق (ع) هم سعید را از ثقات امام چهارم (ع) نام برده است (کلینی، ۱۳۶۳: ۲۳۴/۱). کشی در گزارشی از فضل بن شاذان سعید بن مسیب را از نخستین اصحاب امام سجاد(ع) معرفی می‌کند که از همان نخست همراه امام (ع) بوده است (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۲/۱). در این باره باید گفت که شاید نتوان گزارشی مبرد(م. ۲۸۵ق.) را پذیرفت که سعید و امام سجاد(ع) در کودکی هم‌بازی بوده‌اند^۱ ولی اخبار از ارتباط نزدیک امام سجاد(ع) و سعید بن مسیب از دهه هفتاد قمری به این سو حکایت دارد. در گزارشی به ارتباط امام با سعید در حج سال ۶۲ق. اشاره شده است (خصیبی، ۱۴۱۱: ۲۰۷-۲۰۹). همچنین سعید از مصاحبت و مرادوت خود با امام در جریان قیام حره در سال ۶۳ق. گزارش داده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۸۴/۳-۲۸۵). این ارتباطات به گونه‌ای بوده که امام با تعاریفی از شخصیت علمی سعید یاد کند و وی را از همه مردم به آثار گذشتگان

۱. مبرد، ۱۳۷۵: ۱۰۴. گفتنی است سعید بن مسیب سال ۱۵ق. و علی بن الحسین ع حدود سال‌های ۳۷-۳۸ق. متولد شده‌اند.

آگاه‌تر بدانند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳/۳۱۱). امام سجاده (ع) هم‌چنین سعید را افقه مردم در رأی و نظر می‌دانسته است (ذهبی، ۱۴۰۷: ۶/۳۷۴). احتمالاً بر همین اساس بوده که امام (ع) گاهی نزد وی می‌رفته (ابن سعد، بی تا: ۳/۳۶۸؛ قاضی نعمان، ۱۴۱۴: ۳/۲۷۳) و یا سؤالاتی درباره خلفا (درباره عمر: ابن سعد، بی تا: ۳/۳۶۸؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ۱۰/۴۴۲) و دیگر صحابه (ابن سعد، بی تا: ۳/۱۴۸-۱۴۹) از سعید می‌پرسیده است. امام هم‌چنین روایاتی در موضوعات مختلف از سعید نقل کرده است.^۱ امام سجاده (ع) پاره‌ای از روایات پیامبر (ص) را از سعید بن مسیب و از طریق سعید بن ابی وقاص نقل کرده که منابع اهل سنت به این طریق روایات سعید بن ابی وقاص را «اصح الاسانید» معرفی کرده‌اند (ابن حجر، بی تا: ۲۲). هم از این روست که منابع رجالی اهل سنت سعید بن مسیب را یکی از مشایخ امام (ع) معرفی کرده‌اند (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۷/۲۶۸).

در مقابل سعید بن مسیب هم نگاه والایی به امام سجاده (ع) دارد. او می‌گفت علی بن حسین همانندی در میان اهل بیت ندارد (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۹/۱۲۲). وی نظیری در عصر خود نداشت ولی کسی قدر او را نشناخت (طوسی، ۱۴۰۴: ۱/۳۳۳). او باورع‌ترین (اورع) (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۱/۳۷۶) و با فضیل‌ترین (افضل) (یعقوبی، بی تا: ۲/۳۰۳) شخص زمانه خود بود. سعید درباره امام می‌گفت که نشد علی بن حسین (ع) را بینم مگر این که خود را دشمن ندانم («قال سعید بن المسیب وما رأیته قط إلا مقت نفسی یعقوبی»). یعقوبی، بی تا: ۲/۳۰۳. سعید بن مسیب هم‌چنین اطلاعاتی از جایگاه اجتماعی بالای امام (در این باره ر.ک: طوسی، ۱۴۰۴: ۱/۳۳۳-۳۳۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳/۲۷۹) و سیره عبادی (طوسی، ۱۴۰۴: ۱/۳۳۳-۳۳۴) و رفتاری (یعقوبی، بی تا: ۲/۳۰۳) حضرت نقل می‌کرد. سعید حدیثی از پیامبر (ص) نقل کرده درباره این که چرا علی بن حسین (ع) را زین العابدین نام کرده‌اند. وی در این حدیث به فضیلت بالای امام در روز قیامت اشاره می‌کند (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ۱/۲۳۰). او خود نزد دیگران امام را با تعبیر هم‌چون «زین العابدین» (حلبی، ۱۴۰۰: ۲/۲۲۲) «سید العابدین» (شیخ مفید الف، ۱۴۱۴: ۲/۱۴۵) و «نفس ذکیه» (طوسی، ۱۴۰۴: ۱/۳۳۳) مورد تمجید و تعریف قرار می‌داد. سعید که خود در عبادت شهره بوده همراه امام به مسجد رسول‌الله (ص) می‌آمده و ظاهراً نماز صبح‌ها را در مسجد رسول‌الله همراه حضرت بوده است. (در این باره به بنگرید به ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ۴/۱۵؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۹۳-۵۹۷).

۱. درباره متعه: سید بن طاووس، ۱۳۹۹: ۴۸۸. البته این روایت سعید بن مسیب به غیر طریق امام سجاده (ع)، به گونه‌ای دیگر در منابع اهل سنت گزارش شده است. برای نمونه بنگرید: طیالسی، مسند ابوداود طیالسی، بی تا: ۱۷. درباره حدیث منزلت: محمد بن سلیمان کوفی، ۱۴۱۲: ۱/۵۲۲؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ۳/۱۳۸-۱۳۹؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۹/۳۷۰.

سعید برخی از احادیث پیامبر(ص) را از طرق امام سجاده(ع) روایت کرده (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۴/۱؛ ابن حمزه، ۱۴۱۲: ۳۵۶) و احادیثی درباره تفسیر قرآن (کلینی، ۱۳۶۳: ۲/۲۶۵)، مسائل فقهی (در بحث دیه: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳/۲۹۸-۲۹۹)، دو روایت در فضیلت اهل بیت و شیعیان (یک: کلینی، ۱۳۶۳: ۸/۲۳۵). این حدیث با تغییراتی دیگر هم گزارش شده است (فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰: ۶۴-۶۵. دو: عیاشی، بی تا: ۲/۱۶۶-۱۶۷) در فضیلت مادر امام علی(ع) (حاکم، بی تا: ۳/۱۰۸) حدیث منزلت (طبرانی، بی تا: ۳/۱۳۸-۱۳۹) و احادیثی درباره دو خلیفه نخست (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۶۹/۴۴) از امام (ع) روایت نموده است. وی هم چنین حدیثی طولانی درباره پیامبر(ص)، امام علی(ع)، حضرت زهرا(س)، حضرت خدیجه (س)، نماز و ابوبکر سؤالاتی را از امام سجاده(ع) پرسیده است (کلینی، ۱۳۶۳: ۸/۳۳۸-۳۴۱). این را نیز باید افزود که سعید یکی از سخنرانی‌های اخلاقی حضرت در مسجد رسول‌الله(ص) را گزارش کرده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۹۳-۵۹۷).

تنها نقطه مبهم درباره سعید و امام سجاده(ع) گزارشی است که از عدم شرکت سعید در تشییع جنازه امام (ع) روایت کرده است (طوسی، ۱۴۰۴: ۱/۳۳۳) آن هم به این علت که دو رکعت نماز در مسجد رسول‌الله ثوابش بیشتر از نماز بر بدن امام سجاده(ع) است (ابن سعد، بی تا: ۵/۲۲۲؛ بلاذری، ۱۹۵۹: ۱۰/۲۳۸). درباره این بحث گفتگوهای زیادی صورت گرفته است ولی باید اشاره کرد که این گزارش با گزارش‌هایی که حکایت‌گر رابطه خوب سعید با امام سجاده(ع) قابل مقایسه نیست و نمی‌تواند آن‌ها را تحت شعاع قرار دهد. به ویژه این که در روایتی از امام رضا (ع) سعید بن مسیب با عبارت «کان علی هذا الامر(اهل بیت/ امامت)» مورد مدح قرار گرفته است (حمیری، بی تا: ۳۵۸).

سعید بن جبیر

یکی دیگری از شخصیت‌های انقلابی و ضداموی که از اصحاب امام سجاده(ع) نام آور شده (طوسی، ۱۴۱۵: ۱۱۴؛ ابن شهر آشوب، ۳/۱۳۷۶: ۳۱۱) فقیه و مفسر مشهور کوفه و مکه، سعید بن جبیر است. درباره رابطه سعید بن جبیر و امام سجاده(ع) باید دو مرحله تصور کرد: دوره‌ای که وی با امام رابطه‌ای نداشته و دوره‌ای که وی متمایل به جریان تشیع شده است. برپایه گزارش‌های موجود در اوایل میان سعید و امام سجاده(ع) رابطه‌ای نبوده است و امام تلاش کردند از طریق مباحث علمی وی را جذب کنند. این گزارش که امام از مسعود بن مالک، یکی از موالی سعید بن جبیر، جوایب احوال سعید می‌شوند (ابن سعد، بی تا: ۵/۲۵۸) و از او می‌خواهند که به طریقی

امکان ارتباط با سعید را با امام فراهم کنند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۶۹/۴۱) می‌تواند بر همین اساس مورد تحلیل قرار گیرد که امام در صدد جذب وی بوده است. به نظر می‌رسد تلاش‌های امام در دوره‌ای دیگر مؤثر واقع شده و سعید بن جبیر با امام رابطه برقرار می‌کند، به گونه‌ای که امام سجاده (ع) فرموده که سعید گاهی پیش ما می‌آمد و درباره احکام میراث و مسائل دیگری که خداوند با آنها به ما سود می‌رساند گفتگو می‌کردیم (ابن سعد، بی تا: ۲۱۶/۵). جلساتی که امام به نیکی از آنها یاد کرده و درباره آن می‌فرمودند که «من مجالست و حدیث سعید بن جبیر را دوست می‌داشتم» (ذهبی، ۱۴۰۷: ۳۴۱/۴). همین ارتباط نزدیک باعث این شده بود که امام (ع) و سعید باهم حج‌شان را به جا آوردند و حتی در حال طواف اشعری را بخوانند (محمد بن خلف، بی تا: ۱۲۲/۲-۱۲۳). به نظر می‌رسد سعید بن جبیر در اواخر عمر خود، احتمالاً بعد از قیام عبدالرحمان بن اشعث (حدود سال‌های ۸۱-۸۳ق.) کاملاً متمایل به جریان امام سجاده (ع) شده است، زیرا امام صادق (ع) درباره او فرموده که سعید بن جبیر به علی بن الحسین (ع) اعتقاد داشت و ایشان را امام خود می‌دانست (در نماز به ایشان اقتدا می‌کرد) و امام سجاده هم او را ستوده می‌دانست؛ سعید مردی مستقیم بود و حجاج هم به همین علت او را کشت (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۶/۳۳۵/۱).

به‌هرحال سعید بن جبیر چندین گزارش درباره بحث مهدویت و غیبت امام دوازدهم (صدوق، ۱۴۰۵: ۱۴۵-۱۴۷ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۵۲۴ و ۵۷۷) فضایل امام علی (ع) (ابن مردویه، ۱۴۲۴: ۲۲۳) آیه مودت (احمد بن حنبل، بی تا: ۲۲۹/۱) از امام سجاده (ع) روایت کرده است. هم‌چنین برخی از روایت‌های امام را از طریق دیگر اصحاب امام مانند ابو خالد کابلی روایت کرده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۷۸/۳) که این گزارش‌های اندک با توجه به فراوانی روایت‌های سعید در منابع اهل سنت، می‌تواند نشان از ارتباط کم و محدود سعید با امام سجاده (ع) مورد تحلیل قرار گیرد.

درباره سرانجام سعید هم باید گفت که سعید ظاهراً قائل به تقیه نبوده است (ابن سعد، بی تا: ۲۶۳/۶). وی در قیام عبدالرحمان بن اشعث علیه حجاج و امویان شرکت می‌کند و بعد از شکست قیام در دیرالجمام (۸۳ق.) به مکه فرار می‌کند (ابن سعد، بی تا: ۲۶۳/۶) ولی سرانجام دستگیر می‌شود و در سال ۹۴ق. به دستور حجاج کشته می‌شود (ابن سعد، بی تا: ۲۶۵/۶-۲۶۶). برخلاف منابع سنی که علت مرگ وی توسط حجاج را شرکت در قیام ضد اموی اشعث بیان کرده‌اند (طبری، ۱۴۰۳: ۲۶۰/۵) گزارش دیگری که در منابع شیعی آمده کشته شدن وی توسط حجاج را به سبب اندیشه‌های شیعی وی بیان نموده‌اند (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۵-۳۳۶/۱).

جابر بن عبدالله انصاری

نام جابر بن عبدالله انصاری در دو گزارش از شش گزارشی که اصحاب خاص امام سجاد(ع) را معرفی کرده‌اند به چشم می‌خورد. در نخستین گزارش امام صادق(ع) وی را در کنار ابو خالد کابلی، یحیی بن أم طویل و سعید بن مسیب و عامر بن وائله از کسانی می‌شمرد که بر آنچه امام سجاد(ع) انجام داده شهادت می‌دهند (کوفی: ۱۳۹۹: ۱۰۴-۱۰۵). اما درباره دومین گزارش باید گفت که کشی ابتدا نام وی را در گزارشی که نامرتدین بر راه اهل بیت بعد از حادثه عاشورا روایت کرده، (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۸/۱) قرار نداده است، ولی در ادامه براساس طریقی دیگر تکمله‌ای، با اشکالات محتوایی، اضافه می‌کند که در آن نام جابر دیده می‌شود (طوسی، ۱۴۰۴: ۲۳۸/۱-۲۳۹).

منابع اهل سنت به ارتباط میان امام سجاد(ع) و جابر به صورت کلی اشاره کرده‌اند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۳۶/۴۱ و ۴۱۶) ولی در منابع شیعی تفصیل بیشتری از این ارتباط را می‌توان به دست آورد. این گزارش‌های نشان می‌دهد که جابر ارتباط نزدیکی با امام سجاد(ع) داشته و باید وی را یکی از شیعیان اعتقادی دوره نخست دانست که نگاهی کاملاً اعتقادی به امام داشته است (به‌عنوان نمونه ر.ک: طوسی: ۱۴۱۴: ۶۳۶-۶۳۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۸۹/۳-۲۹۰). وی از راویان نصوص امامت امام سجاد(ع) و دیگر ائمه است، (صدوق، ۱۴۰۵: ۲۵۳-۲۵۴) و در فضائل امام سجاد(ع) از رسول خدا (ص) حدیث نقل می‌کرد (برای نمونه ر.ک: ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۷۰/۴۱ و ۲۷۶/۵۴). او درباره امام(ع) می‌گفت که به‌خدا سوگند در میان اولاد انبیاء مانند علی بن الحسین علیهما السلام دیده نشده است مگر یوسف بن یعقوب و سوگند به‌خدا که ذریه و فرزندان علی بن حسین از ذریه یوسف افضل و برترند و از این ذریه پاک و پربرکت است آن وجودی که زمین را پر از عدل و داد نماید (طوسی: ۱۴۱۴: ۶۳۶-۶۳۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۸۹/۳-۲۹۰). جابر به گونه‌ای به اهل بیت نزدیک بوده که خاندان اهل بیت جابر را برای تذکر به امام سجاد(ع) به خاطر توجه زیادش به عبادات وی را واسطه قرار می‌دهند (طوسی: ۱۴۱۴: ۶۳۶-۶۳۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۲۸۹/۳-۲۹۰). جابر احتمالاً از همان اوایل نزد امام رفت و آمد داشته است (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ۳۰۴/۱). او به منزل امام می‌رفته (برای نمونه ر.ک: صدوق، ۱۴۰۵: ۲۵۳-۲۵۴). سیدبن طاووس، ۱۴۱۴: ۴۸۸/۱-۴۸۹) و با هم گفتگوهایی می‌کرده‌اند (ر.ک: خزاز قمی، ۱۴۰۱: ۵۵؛ صدوق، ۱۴۰۵: ۲۵۳-۲۵۴) جابر برخی از احادیث اخلاقی (دو مورد مانند: الاصول الستة عشر، ۱۴۲۳: ۷۲؛ اسکافی: بی‌تا: ۴۲) در کنار پاره‌ای از رفتارهای امام (الاصول الستة عشر، ۱۴۲۳: ۷۰ و ۶۴) و دعایی طولانی را از امام(ع) گزارش کرده است (این دعا درباره عید

فطر است. سیدبن طاووس، ۱۴۱۴: ۴۸۸/۱-۴۸۹). جابر هم‌چنین چندین حدیث و گزارشی از پیامبر (ص) از طریق امام سجاده (ع) نقل کرده است. (برای نمونه ر.ک: ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹: ۷۰/۶؛ کلینی، ۱۳۶۳: ۲۳۴/۳-۲۳۵).

در مقابل امام سجاده (ع) نیز برای جابر بن عبدالله جایگاه خاصی قائل بود. امام (ع) نزد جابر می‌رفته (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۷۰/۴۱ و ۲۷۶/۵۴) و حتی در گزارشی بیان شده که ایشان به همراه امام باقر (ع) و محمد بن حنفیه به منزل جابر می‌رفتند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۳۴/۸). ظاهراً جابر ایامی جلوس داشته و دیگران نزد او می‌رفتند. در گزارشی بیان شده که امام سجاده (ع) در اواخر عمر جابر نزد وی رفته (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۷۶/۵۴) و جابر حدیثی از پیامبر (ص) نقل می‌کند که در قسمتی از آن به مقام بالای امام سجاده (ع) در روز قیامت اشاره شده است و در قسمتی دیگر پیامبر (ص) بیان می‌کنند که جابر امام باقر (ع) را رویت خواهد کرد و از وی می‌خواهد که سلامش را به آن امام برساند. این گزارش در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است. هم‌چنین باید گفت که جابر یکی از مشایخ امام سجاده (ع) به شمار می‌رود زیرا امام به فراوانی احادیث پیامبر (ص) را از طریق جابر وی کرده است. (به عنوان نمونه ر.ک: صدوق، ۱۴۰۵: ۲۵۳-۲۵۴، طوسی، ۱۴۱۴: ۵۰۰-۵۰۱؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۴۴۱/۱۴). امام هم‌چنین غیر از احادیث دو گزارش تاریخی هم از جابر نقل کرده است.^۱

با توجه به گرایش‌های آشکار شیعی جابر بن عبدالله و ارتباطاتش با بزرگان بنی‌هاشم و از جمله امام سجاده (ع) به نظر می‌رسد باید مانند دیگر شیعیان مورد تعرض امویان قرار گرفته باشد ولی گویا صحابی و آسن بودن وی باعث مصونیت وی از تعرض امویان شده باشد (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۹/۱).

عامر بن واثله کنانی

ابوالطفیل عامر بن واثله کنانی از صحابه رسول خدا (ص) و علی‌الاجماع آخرین صحابی بوده که تا اوایل قرن دوم می‌زیسته است. او ساکن مکه و مدتی را نیز در کوفه و زمانی از شخصیت‌های شناخته‌شده و بزرگان این شهر بوده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۴۹/۴) ولی بعدها به مکه می‌رود و در

۱. یکی گزارشی تاریخی درباره سنه الرماده نقش عباس و نبی‌هاشم در نماز استسقی (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۳۶۱/۲۶-۳۶۳). عام الرماده به سال ۱۸ق. گفته می‌شود که خشکسالی شدیدی بر منطقه حجاز عارض شده بود (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۲/۲۱۷) و دیگری گزارشی تاریخی از سلمان فارسی به واسطه جابر (قطب‌الدین راوندی، ۱۳۱۸: ۲۴۵-۲۴۶)

همین شهر در سال ۱۱۰ق. از دنیا می‌رود (درباره وی نک: ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۲۳/۲۶). منابع رجالی اهل سنت وی را از شیعیان حجاز (ذهبی: ۱۴۱۳: ۴۶۸/۳) و با عناوین آشکاری شیعه بودن وی را روایت کرده‌اند (به عنوان نمونه ر.ک: ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۱۳/۲۶؛ مزی، ۱۴۰۶: ۸۰/۱۴). وی همواره یکی از شیعیان خاص اهل بیت و شخص امام علی بود (برقی، بی تا: ۵؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۷۰) و در تمام جنگ‌های حضرت شرکت داشته است و حتی همراه حضرت در کوفه مستقر شده است (ابن اثیر، بی تا: ۹۷/۳). او بعد از امام علی (ع) از اصحاب امام حسن (ع) بود (طوسی، ۱۴۱۵: ۹۵) ولی منابع گزارشی از ارتباط وی با امام حسین (ع) و شرکت در قیام حضرت گزارشی روایت نکرده‌اند. با این حال وی در قیام مختار به خون‌خواهی قتل امام حسین (ع) شرکت کرده است. (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۱۰۰/۱۵). برخی عامر را احتمالاً به خاطر ارتباط با محمد بن حنفیه (در این باره ر.ک: ابن سعد، بی تا: ۱۰۱/۵؛ طوسی، ۱۴۰۴: ۴۶۰/۲) و مختار (در این باره ر.ک: ابن سعد، بی تا: ۱۰۱/۵؛ طوسی، ۱۴۰۴: ۳۰۸/۱) از اصحاب محمد (خلیفه بن خیاط، بی تا، ۲۰۱؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۱۸/۲۶) و از کیسانیان شمرده‌اند. (علامه حلی، ۱۴۱۷: ۳۷۹؛ ابن داود، ۱۳۹۲: ۲۵۱) که قائل به امامت محمد بن حنفیه بوده است (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۰۸/۱؛ ابن داود، ۱۳۹۲: ۲۵۱) عامر بن واثله هم چنین از اصحاب امام سجاد(ع) نام برده شده است (طوسی، ۱۴۱۵: ۱۱۸۹). امام صادق (ع) وی را از شاهدانی بر آن چه که امام سجاد(ع) انجام داده است معرفی می‌کند (کوفی: ۱۳۹۹: ۱۰۴-۱۰۵). ابن شهر آشوب نیز عامر را از اصحاب خاص حضرت نام برده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳۱۱/۳). با این حال گزارش‌ها اندکی درباره ارتباط میان عامر و امام سجاد(ع) وجود دارد که در این باره تنها می‌توان به دو گزارش اشاره کرد: در یکی از آن دو عامر داعی را از امام سجاد(ع) نقل می‌کند (اربلی، ۱۹۸۵: ۳۰۶/۲-۳۱۰) و دیگری مربوط به جلسه‌ای است که ابان کتاب سلیم بن قیس هلالی را بر امام سجاد(ع) عرضه می‌کند. عامر بن واثله به همراه عمر بن ابی سلمه فرزند ام سلمه همسر پیامبر (ص) نیز از حاضران نزد امام بوده و ابان در طول سه روز کتاب را بر آنان قرائت می‌کند (سلیم بن قیس، ۱۴۲۲: ۱۲۷).

قاسم بن محمد بن ابی بکر

قاسم بن محمد بن ابی بکر(م. ۱۰۶ق) پسر خاله امام سجاد(ع) است (شیخ مفید الف، ۱۴۱۴: ۱۳۷/۲) که دخترش به ازدواج امام باقر(ع) در آمده است. قاسم در اواخر دوران امام سجاد(ع)، یعنی در زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز(م. ۱۰۱ق.) از فقهای شناخته شده مدینه بوده و حتی وی را از فقهای سبعة مدینه به حساب آورده‌اند (ر.ک: ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۳۸۰-۳۸۲).

قاسم متوفای ۱۰۸۰ق. و حدود هفتاد یا هفتاد و دو سال عمر کرده است. یعنی تقریباً متولد سال ۳۸ق. یا ۳۶ق. می‌باشد (ابن سعد، بی تا: ۱۹۴/۵) همان زمانی که سال‌های تولد امام سجاده (ع) می‌باشد. با این حال ظاهراً هیچ گزارشی از ارتباط امام با قاسم پیدا نشد یا اینکه از یکدیگر روایتی کرده باشند. هم‌چنین هیچ گزارشی تاریخی‌ای از ارتباط وی با جریان تشیع در دسترس نیست و تنها در حدیثی امام رضا (ع) درباره او فرموده: «کان علی هذا الامر». (حمیری، بی تا: ۳۵۸). با حال در یک گزارش از امام صادق (ع) قاسم از ثقات امام سجاده شمرده شده (کلینی، ۱۳۶۳: ۴۷۲/۱) و تنها شیخ طوسی وی را از اصحاب امام سجاده (ع) نام برده است (طوسی، ۱۴۱۵: ۱۱۹).

بررسی گزارش‌ها

در بررسی گزارش‌هایی که شیعیان و اصحاب خاص امام سجاده (ع) را معرفی می‌کند نخست باید گفت که در گزارش نخست امام صادق (ع) از کسانی نام برده شده که بعد از شهادت امام حسین (ع) مرتد نشدند و هم‌چنان بر راه اهل بیت باقی ماندند (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۸/۱). اینان عبارتند از ابو خالد کابلی، یحیی بن أم الطویل، جابر بن عبدالله انصاری و جبر بن معطم. در گزارش دوم امام صادق (ع) لیستی از اصحاب اضافه شده‌اند که نسبت به این افراد کمی تفاوت دارد. در این گزارش جبر بن معطم حذف شده و به جای وی سعید بن مسیب و عامر بن واثله افزوده شده‌اند (کوفی: ۱۳۹۹: ۱۰۴-۱۰۵). در واقع باید گزارش دوم را اصلاح‌شده گزارش نخست دانست، زیرا در روایت ارتداد انتظار می‌رفت عامر بن واثله که از دوران امام علی (ع) و از راسخین در راه اهل بیت است هم در سیاهه نامرتدین بعد از عاشورا نام برده می‌شد؛ هم‌چنان که شواهد تاریخی بر این نکته حکایت دارد. یا مثلاً جبر بن معطم که اساساً چند سال پیش از قیام کربلا از دنیا رفته است جزء نامرتدین و ثابت‌قدمان بعد از حادثه کربلا نام برده شده است. در واقع باید گفت که روایت ارتداد هیچ ملاکی ندارد. از طرفی جبر بن معطم را که پیش از امام سجاده (ع) از دنیا رفته است از اصحاب اولیه امام و از نامرتدین بعد عاشورا معرفی می‌کند. از طرفی هیچ اشاره‌ای به نام برخی دیگر از افرادی که دانسته است در راه اهل بیت هستند نمی‌کند. حال بماند که اساساً حدیثی مرسل است (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۸/۱) و مورد نقد رجالیون معاصر قرار گرفته است (به عنوان نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۲/۱).

هم‌چنین دانسته نیست چرا از میان همه این شخصیت‌های خاص نسبت به امام سجاده (ع)، در گزارش منسوب سوم به امام صادق (ع) (کلینی، ۱۳۶۳: ۴۷۲/۱) تنها ابو خالد کابلی و سعید بن مسیب از ثقات امام سجاده (ع) نام برده شده است و نامی از بزرگانی هم‌چون جابر، یحیی بن أم

الطویل به چشم نمی خورد و شخصیت سومی مطرح می شود به نام قاسم بن محمد بن ابی بکر که در دیگر گزارش ها راست کیش بودن وی نسبت به اهل بیت همواره مورد تأکید قرار گرفته است. چهارمین گزارش که در آن حواری امام سجاد(ع) از قول امام کاظم (ع) بررسی شده است (فتال نیشابوری، بی تا: ۲۸۲-۲۸۳؛ شیخ مفید منسوب، ۱۴۱۴: ۶۱-۶۲) در واقع همان گزارش نخست امام صادق (ع) است (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۸/۱) که نامرتدین را معرفی می کند با این تفاوت که در گزارش امام صادق (ع) از ابو خالد کابلی، یحیی بن أم الطویل، جابر بن عبدالله انصاری و جبیر بن معطم نام برده شده ولی در گزارش امام کاظم (ع) به جای نام جابر بن عبدالله، سعید بن مسیب جاگذاری شده است. درباره بررسی وضعیت سندی این گزارش هم باید گفت که روایان این روایت یعنی علی بن سلیمان که مجهول است و اسباط بن سالم هم توثیق نشده است (در این باره ر.ک: خویی: ۱۴۱۳: ۱۴۹/۱۵) و هم چنان که اشاره شد اکثر رجال یون متقدم و معاصر که درباره این حدیث بحث کرده اند آن را مورد نقد قرار داده اند.

درباره اصحاب خاص امام سجاد(ع) دو خبر دیگر از فضل بن شاذان (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۲/۱) و صاحب الاختصاص (شیخ مفید منسوب، ۱۴۱۴: ۸) روایت شده است که نه تنها باهم هماهنگی ندارند که با هیچ کدام از چهار گزارش امام صادق (ع) و روایت امام کاظم (ع) نیز هماهنگ نیستند، به گونه ای که از میان ده نامی که در این دو روایت نام برده شده تنها در سه نفر اشتراک وجود دارد. ضمن این که نام های جدیدی، مانند حکیم بن جبیر، مطعم، سعید بن جبیر و محمد بن جبیر، در آن ها دیده می شود که در آن چهار گزارش امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) نیست. این ها غیر تهافت هایی است که با روایت های منسوبین به ائمه دارد. مثلاً در روایت نخست امام صادق (ع) که اصحاب اولیه امام سجاد(ع) و نامرتدین راه اهل بیت را بیان می کند از شخصیت هایی مانند ابو خالد کابلی، یحیی بن أم الطویل، جابر بن عبدالله انصاری و جبیر بن معطم نام برده شده است (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۸/۱) در حالی که در خبر فضل بن شاذان اصحاب نخست و اولیه امام سجاد(ع) را ابو خالد کابلی، یحیی بن أم الطویل، سعید بن مسیب، محمد بن جبیر بن مطعم، و سعید بن جبیر نام می برد. در مقایسه این دو گزارش سه شخصیت اخیر که در گزارش فضل بن شاذان آمده در گزارش امام صادق (ع) نیست و هم چنین جابر بن عبدالله و جبیر بن مطعم که در گزارش امام صادق (ع) است در گزارش فضل دیده نمی شود.

نکته بعد ابهاماتی است که درباره این شخصیت ها وجود دارد. به طور نمونه یحیی بن أم الطویل که در همه این گزارش ها نام وی دیده می شود تا آن جا که جستجو شده، هیچ روایتی از امام سجاد(ع) نقل نکرده است. یا شخصیتی که با نام های مختلف در این شش گزارش ها آمده است

یعنی جبیر بن مطعم، محمد بن جبیر، مطعم و حکیم بن جبیر. جبیر بن مطعم که در دو روایت منسوب به امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) که اصحاب اولیه، نامرتدین بعد از عاشورا (طوسی، ۱۴۰۴: ۱/۳۳۸) و حواری امام سجاده (فتال نیشابوری، بی‌تا: ۲۸۲-۲۸۳) شمرده شده است، پیش از امام سجاده (ع) از دنیا رفته است. احتمالاً هم از این روست که این نام در گزارش‌های دیگر تکرار نشده و به محمد بن جبیر، (طوسی، ۱۴۰۴: ۱/۳۳۲) معطم (شیخ مفید منسوب، ۱۴۱۴: ۸) و حکیم بن جبیر (شیخ مفید منسوب، ۱۴۱۴: ۸) تغییر یافته است. طبق بررسی‌های انجام شده اگر این شخص حکیم بن جبیر هم باشد طبق گزارش‌های موجود ویژگی خاصی در وی دیده نمی‌شود که بتوان او را از خواص اصحاب و حواری امام سجاده (ع) دانست.

درباره سعید بن مسیب هم باید گفت که وی یکی از فقهای عامه و از مشایخ امام سجاده (ع) به شمار می‌رود که هر دو طرف احترام خاصی برای یکدیگر قائل بوده و تعاریف و تمجیداتی از یکدیگر کرده‌اند. و یا درباره قاسم بن محمد که وی هم از فقهای شناخته شده اهل سنت است. قاسم تقریباً به طور کامل هم‌دوره‌ای امام می‌باشد ولی هیچ گزارشی از ارتباط وی با امام در دست نیست. حتی حدیثی هم از یکدیگر نقل نکرده‌اند. با این حال هم سعید بن مسیب و هم قاسم بن محمد طبق حدیث سوم منسوب به امام صادق (ع) از ثقات امام سجاده (ع) شناخته شده‌اند. گرچه شاید بتوان این گونه توجیه کرد که میان وثاقت افراد و مذهب‌شان تنافی‌ای وجود ندارد (کرباسی، ۱۴۲۵: ۵۳) و یا این گونه گفت که آنان در حالت تقیه قرار داشته‌اند.

یا مثلاً ابو خالد کابلی که از پیروان و شیعیان محمد حنفیه بوده و تا سال‌ها به وی خدمت می‌کرده است، چگونه می‌شود که نامش در نامرتدین راه ائمه و اهل بیت قرار می‌گیرد و جالب‌تر آن که در گزارش دیگری جزء اولین کسانی نام برده می‌شود که از همان آغاز امامت امام سجاده (ع) جزء حلقه نخست اصحاب ایشان به شمار می‌رفته است.

سعید بن جبیر هم که از فقها و محدثین شناخته شده اهل سنت بوده که براساس گزارش‌های مختلف در دوره اخیر امام سجاده به جرگه اصحاب امام می‌پیوندد. از این رو پذیرش نظر فضل بن شاذان کاملاً دشوار به نظر می‌رسد که سعید را از نخستین اصحاب امام سجاده (ع) نام می‌برد که در اول امامت حضرت همراه امام بوده است (طوسی، ۱۴۰۴: ۱/۳۳۲). هیچ بعید نیست گرایش سعید بن جبیر به امام سجاده (ع) را به خاطر همان شخصیت انقلابی و ضد اموی دانست که هر دو در مخالفت با امویان هم‌رأی بوده‌اند.

یکی دیگر از شخصیت‌هایی که از اصحاب امام سجاده (ع) شمرده شده جابر بن عبدالله انصاری است. در دو گزارش منسوب به امام صادق (ع) وی از کسانی نام برده شده که بعد از جریان کربلا

مرتد نشد و همچنان بر راه اهل بیت باقی ماند (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۸/۱) و همچنین در گزارش دیگری از این امام، جابر از کسانی نام برده شده که بر آنچه امام سجاد(ع) انجام داده در روز قیامت شهادت می دهد (کوفی: ۱۳۹۹: ص ۱۰۴-۱۰۵). با این حال دانسته نیست که چرا نام وی در گزارش امام صادق (ع) که ثقات امام سجاد(ع) را معرفی می کند دیده نمی شود، با این که وی روایات قابل توجهی از امام سجاد(ع) نقل کرده است و وفاداری و صداقت وی همواره در لسان اهل بیت و بزرگان امامیه زبازند است (به عنوان نمونه ر.ک: کلینی، ۱۳۶۳: ۴۷۰/۱) و جالب تر آن که نام وی حتی در لیست حواریون امام سجاد(ع) که امام کاظم (ع) بیان کرده اند هم دیده نمی شود (فتال نیشابوری، بی تا: ۲۸۲-۲۸۳). با این که امام صادق (ع) وی را از اصحاب اولیه امام سجاد(ع) نام می برد ولی فضل بن شاذان نام جابر را جزء اصحاب اولیه بیان نکرده است (طوسی، ۱۴۰۴: ۳۳۲/۱) صاحب الاختصاص هم به نام وی در اصحاب خاص امام سجاد(ع) اشاره نمی کند (شیخ مفید منسوب، ۱۴۱۴: ۸).

درباره عامر بن واثله هم باید گفت از میان چهار روایت امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) نام وی تنها در یکی از روایت های امام صادق (ع) دیده می شود. امام (ع) عامر را در کنار ابو خالد کابلی، یحیی بن ام طویل، سعید بن مسیب و جابر بن عبد الله انصاری از کسانی معرفی می کند که در روز قیامت بر آنچه امام سجاد(ع) انجام داده است شهادت می دهند. (کوفی: ۱۳۹۹: ۱۰۴-۱۰۵). این مقام جایگاه خاصی را برای عامر تعریف می کند با این حال نام وی در هیچ کدام از گزارش هایی که حواری، ابواب و اصحاب نخستین امام سجاد(ع) را معرفی می کنند نیست. حتی وی با آن که همیشه در راه اهل بیت ثابت قدم بوده و هم خود و هم گزارش های مختلف این را نشان می دهد با این حال نام وی در گزارش هایی که اصحاب اولیه و نامرتدین از اهل بیت بعد از عاشورا را معرفی می کند قرار نگرفته است. به غیر از آن گزارش امام صادق (ع)، ابن شهر آشوب تنها وی را از اصحاب خاص امام سجاد(ع) ذکر کرده است.

به نظر می رسد برخی دیگر از اصحاب امام (ع) هستند که آنها اولویت بیشتری برای عنوان باب یا حواری داشته اند. کسانی که مباحث خاصی در بحث امامت یا بحث برائت یا توانایی های ویژه امام، عصمت یا علم خاص امام، بحث ولایت و تصرفات ائمه مانند ابو حمزه ثمالی، جعید همدانی موسی بن قاسم و یونس بن الحباب از امام سجاد(ع) گزارش کرده اند. ضمن این که در منابع تاریخی - رجالی اهل سنت برخی از شخصیت ها به عنوان اقران و نزدیکان امام سجاد(ع) معرفی شده اند که نامشان در گزارش های منابع امامی که اصحاب خاص امام را معرفی می کنند دیده نمی شود. کسانی مانند ابوسلمه بن عبدالرحمان (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۲۶۹/۷-۲۷۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸:

۱۲۱/۹)، طاووس بن کیسان (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۲۶۹/۷-۲۷۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۲۱/۹) و سعید بن مرجانه (مزی، ۱۱: ۵۰/۱۴۰۶) از این دسته‌اند. از این رو به نظر می‌رسد نمی‌توان برای طیفی از اخباری که اصحاب امام سجاده (ع) را طبقه‌بندی خاصی می‌کنند تکیه کرد و آن‌ها را ملاکی برای ارزیابی و سنجه‌رجالی قرار داد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دربارهٔ حواری، ابواب و اصحاب خاص امام سجاده (ع) چهار گزارش از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) و هم‌چنین دو گزارش از فضل بن شاذان و الاختصاص روایت شده است. در مجموع دوازده نام تکرار شده است که عبارتند از: ابو خالد کابلی، یحیی بن أم الطویل، جابر بن عبدالله، سعید بن مسیب، عامر بن وائله، قاسم بن محمد بن ابی بکر، جبیر بن مطعم، محمد بن جبیر بن مطعم، سعید بن جبیر، مطعم و حکیم بن جبیر.

جبیر بن مطعم که طبق گزارش نخست امام صادق از اصحاب اولیه و نامرتدین و طبق روایت امام کاظم (ع) از حواریون امام سجاده (ع) شمرده شده از بحث خارج می‌شود، زیرا وی پیش از امام سجاده (ع) از دنیا رفته است. احتمالاً از این رو در گزارش‌های بعدی برخی، مانند گزارش فضل بن شاذان، پسر جبیر یعنی محمد بن جبیر بن مطعم را مطرح کرده‌اند و یا برخی دیگر جبیر را محرف حکیم تلقی کرده‌اند و حکیم بن جبیر را به‌عنوان صحابی خاص معرفی کرده‌اند. مطعم هم که به تنهایی در گزارش الاختصاص آمده احتمالاً منظور یکی از همین شخصیت‌هاست. از این رو از جبیر بن مطعم، محمد بن جبیر بن مطعم، حکیم بن جبیر و مطعم یک شخص تنها مراد است نه چهار نفر که آن هم احتمالاً حکیم بن جبیر است. سعید بن جبیر را هم قطعاً نمی‌توان جزء اصحاب اولیه و نخست امام سجاده (ع) باشد، زیرا وی در اواخر دوران امام به جریان امامی پیوسته است. قاسم بن محمد هم که هیچ گزارش تاریخی و حدیثی از وی در ارتباط با امام سجاده (ع) نقل نشده در حدیث سوم امام صادق (ع) به‌عنوان یکی از ثقات امام سجاده (ع) معرفی شده است. در این میان نام ابو خالد کابلی، یحیی بن أم الطویل، جابر بن عبدالله، سعید بن مسیب، عامر بن وائله، حکیم بن جبیر باقی می‌ماند که تنها روایات و گزارش‌های ابو خالد کابلی، سعید بن مسیب و جابر بن عبدالله با امام سجاده (ع) از نظر کمیّت قابل توجه است. با این حال دانسته نیست چرا تنها سه نفر یعنی ابو خالد کابلی، سعید بن مسیب و قاسم بن محمد بن ابی بکر، از میان تمام افرادی که به‌عنوان صحابی خاص شناخته شده‌اند، از ثقات امام سجاده (ع) معرفی گشته‌اند.

سرانجام باید گفت که هیچ کدام از این شش گزارش معیار آشکاری در این که حواری، باب یا اصحاب خاص امام (ع) کدامند به دست نمی دهد و افزون بر عدم تطابق آن‌ها با گزارش‌ها تاریخی و حدیثی امامیه و اهل سنت نمی توان آن‌ها را معیاری برای تعدیل این طیف از اصحاب و جرح آن اصحابی که نامشان در این گزارش‌ها نیامده مورد لحاظ قرار داد. ضمن این که اکثر کسانی که به عنوان حواری شناخته شده‌اند بدون تردید فاقد ویژگی‌هایی هستند که برای حواریون، به معنای یاران نزدیک و خاص، شمرده شده‌اند. از این رو به سختی می توان این افراد را مصادیقی برای حواری امام سجاد(ع) برشمرد لذا اعتماد بر این دسته از گزارش‌ها را با دشواری روبه‌رو می سازد، زیرا گزارش‌های تاریخی رسیده توان راستی آزمایی این دسته از روایات امامیه را ندارد. به نظر می رسد با توجه به نامشخص بودن زمان صدور این طیف از روایات و ابهامات در طرق نقل آن، اعتماد بر آن‌ها دشوار است. سرانجام باید گفت که ابطال پذیر کردن این نظریه که این روایات باعث وثاقت و جایگاه خاصی برای این طیف از اصحاب می شود راه را برای نظریاتی که شایستگی بیشتری دارند هموار می سازد و آن این که این دسته از روایات‌ها و گزارش‌ها را باید در چارچوب جریان‌های خاص حدیثی امامیه رصد کرد که خود سرآغاز بحث دیگری است.

منابع و مأخذ

- ابن ابی شیبة الكوفي (۱۴۰۹ق.). **المصنف**. تحقیق سعید اللعام. بیروت: دار الفکر.
- ابن اثیر (۱۳۸۵). **الکامل**. بیروت: دارصادر.
- _____ (بی تا). **اسد الغابة**. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن ادریس (۱۴۱۰ق.). **السرائر**. قم: نشر اسلامی.
- ابن حبان (۱۳۹۳ق.). **الثقات**، بیروت: الکتب الثقافیة.
- _____ (۱۴۱۱ق.). **مشاهیر علماء الامصار**. تحقیق علی ابراهیم. المنصورة: دار الوفا.
- ابن حجر (۱۴۰۴ق.). **تهذیب التهذیب**. بیروت: دار الفکر.
- _____ (۱۴۱۵ق.). **تقریب التهذیب**، تحقیق عطا. بیروت: دار الکتب.
- _____ (بی تا). **سلسلة الذهب**، تحقیق عبد المعطی. بی تا. بی جا.
- ابن حمزة طوسی (۱۴۱۲ق.). **التأقیب فی المناقب**. تحقیق علوان. قم: انصاریان.
- ابن داود حلی (۱۳۹۲ق.). **رجال ابن داود**. تحقیق بحر العلوم. نجف: مطبعة الحیدریة.
- ابن سعد(بی تا). **الطبقات الكبرى**. بیروت: دار صادر.
- ابن شهر آشوب (۱۳۷۶ق.). **مناقب آل ابی طالب**. نجف: المكتبة الحیدریة.
- ابن عساکر (۱۴۱۵ق.). **تاریخ مدینة دمشق**. تحقیق علی شیری. بیروت: دار الفکر.

- ابن کثیر(۱۴۰۸ق.). **البدایة والنهایة**. تحقیق علی شیری. بیروت: دار احیاء.
- ابن مردویه(۱۴۲۴ق.). **مناقب علی بن ابی طالب**. تحقیق حرزالدین. قم: دار الحدیث.
- ابی الفرج اصفهانی(بی تا). **الاغانی**. بیروت: دار احیاء.
- احمد بن حنبل(بی تا). **مسند احمد**. بیروت. دارصادر.
- اربلی(۱۹۸۵). **کشف الغمة**. بیروت. دارالاضواء.
- اسکافی(بی تا). التمجیص. تحقیق مدرسة الامام المهدي (ع). قم.
- **اصول الستة عشر من الاصول الاولية**(۱۴۲۳ق.). تحقیق محمودی، قم: دار الحدیث.
- برقی(بی تا). **الرجال**. انتشارات دانشگاه تهران.
- _____(۱۳۷۰ق.). **المحاسن**. تحقیق محدث ارموی. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- بلاذری(۱۹۵۹م.). **انساب الاشراف**. تحقیق حمیدالله. مصر: دارالمعارف.
- بیهقی(۱۴۱۰ق.). **شعب الایمان**. تحقیق زغلول و بنداری. بیروت: دار الکتب.
- تستری(۱۴۱۹ق.). **قاموس الرجال**. قم: النشر الاسلامی.
- نفرشی(۱۴۱۸ق.). **نقد الرجال**. تحقیق آل البيت (ع). قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- حاکم نیشابوری(بی تا). **المستدرک**. تحقیق مرعشی. بی جا.
- حسن بن سلیمان حلی(۱۳۷۰ق.). **مختصر بصائر الدرجات**. نجف: المطبعة الحیدریة.
- حسین بن عبد الوهاب(۱۳۶۹). **عیون المعجزات**. نجف: حیدریه.
- حلّی(۱۴۰۰ق.). **السيرة الحلیة**. بیروت: دار المعرفة.
- حمیری قمی(بی تا). **قرب الاسناد**. تحقیق اهل البيت (ع). قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- خزاز قمی(۱۴۰۱ق.). **کفایة الاثر**. تحقیق کوه کمری، قم: انتشارات بیدار.
- خصیبی(۱۴۱۱ق.). **الهدایة الکبری**. بیروت: مؤسسة البلاغ.
- خطیب بغدادی(۱۴۱۷ق.). **تاریخ بغداد**. تحقیق عطا. بیروت: دار الکتب.
- خوی(۱۴۱۳ق.). **معجم رجال الحدیث**. قم: بی نا.
- خلیفه بن خیاط(بی تا). **تاریخ خلیفة**. تحقیق سهیل زکار. بیروت: دار الفکر.
- ذهبی(۱۴۰۷ق.). **تاریخ الاسلام**، تحقیق تدمری، بیروت: دار الکتب العربی.
- _____(۱۴۱۳ق.). **سیر اعلام النبلاء**، تحقیق شعب الارنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- زراری، ابوغالب(۱۳۹۹ق.). **رسالة في ال اعین**. تحقیق موحد ابطحی. بی نا. بی جا.
- سلیمان بن خلف(بی تا). **التعدیل والتجریح**. تحقیق البزار. مراکش: وزارت اوقاف.
- سلیم بن قیس(۱۴۲۲ق.). **کتاب سلیم بن قیس**. تحقیق انصاری. قم: دلیل ما.
- سید بن طاووس(۱۳۹۹ق.). **طرائف**. قم: النخام.

- سید ابن طاووس (۱۴۱۴ق.). **اقبال الاعمال**. تحقیق قیومی. قم: الاعلام الاسلامی.
- شاهرودی، نمازی (۱۴۱۲ق.). **مستدرکات علم رجال الحديث**. تهران: شفق.
- شهید ثانی (۱۴۲۲ق.). **وسائل**. تحقیق مختاری، قم: مرکز النشر التابع.
- صدوق (۱۳۸۵ق.). **علل الشرائع**، تحقیق بحر العلوم. النجف: المكتبة الحیدریة.
- _____ (۱۴۰۵ق.). **کمال الدین**. تحقیق غفاری، قم: النشر الاسلامی.
- طبرانی (۱۴۱۵ق.). **المعجم الاوسط**. بیروت: دار الحرمین.
- طبرسی (۱۴۱۷ق.). **اعلام الوری**. قم: آل البيت.
- طبری (۱۴۱۵ق.). **المسترشد**. تحقیق محمودی. قم: الثقافة الاسلامیة.
- _____ (۱۴۰۳ق.). **تاریخ الطبری**. بیروت: مؤسسة الاعلمی.
- طوسی (۱۳۶۴). **تهذیب الاحکام**. تحقیق موسوی الخراسان. تهران: دار الکتب.
- _____ (۱۴۰۴ق.). **اختیار معرفة الرجال**. تحقیق الاسترآبادی / الرجائی، قم: آل البيت (ع).
- _____ (۱۴۱۱ق.). **الغیبة**. تحقیق طهرانی / ناصح. قم: المعارف الاسلامیة.
- _____ (۱۴۱۴ق.). **الامالی**. قم: دار الثقافة.
- _____ (۱۴۱۵ق.). **رجال الطوسی**. تحقیق قیومی. قم: النشر الاسلامی.
- طیالسی (بی تا). **مسند ابی داود الطیالسی**. بیروت: دار المعرفة.
- عاملی (۱۴۱۱ق.). **التحریر الطاووسی**. تحقیق جواهری. قم: مکتبه مرعشی نجفی.
- علامه حلی (۱۴۱۷ق.). **خلاصة الاقوال**. تحقیق قیومی. قم: نشر الفقاهة.
- عیاشی (بی تا). **تفسیر العیاشی**. تحقیق محلاتی. تهران: المکتبه العلمیة.
- فتال نیشابوری (بی تا). **روضه الواعظین**. تحقیق حسن خراسان. قم: شریف رضی.
- فرات بن ابراهیم کوفی (۱۴۱۰ق.). **تفسیر فرات الکوفی**. تحقیق محمد الکاظم. تهران: مؤسسة الطبع والنشر.
- قاضی نعمان (۱۴۱۴ق.). **شرح الاخبار**. تحقیق حسینی جلالی. النشر الاسلامی.
- قزوینی (بی تا). **سنن ابن ماجه**. تحقیق عبدالباقی، بیروت: دار الفکر.
- قطب الدین الراوندی (۱۳۱۸). **قصص الانبیاء**. تحقیق عرفانیان، قم: الهادی.
- کاتب بغدادی (بی تا). **تاریخ الأئمة**. قم: مکتب مرعشی.
- کرباسی (۱۴۲۵ق.). **الکلیل المنهج**. تحقیق اشکوری، قم: دار الحدیث.
- کلینی (۱۳۶۳). **الکافی**، تحقیق غفاری. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- کوفی، حسین بن سعید (۱۳۹۹ق.). **الزهد**. تحقیق عرفانیان، قم: العلمیة.
- مبرد (۱۳۷۵ق.). **الفاضل**. تحقیق میمنی. مصر: دار الکتب.

- محمد بن خلف (بی تا)، **اخبار القضاة**. بیروت: عالم الکتب.
- محمد بن سلیمان کوفی (۱۴۱۲ق.). **مناقب الامام امیر المؤمنین**. تحقیق محمودی. قم: مجمع احیاء الثقافة.
- مزی (۱۴۰۶ق.). **تهذیب الکمال**. تحقیق عواد معروف. بیروت: الرسالة.
- مفید (۱۴۱۴ق.). **الاختصاص**. تحقیق غفاری. بیروت: دار المفید.
- مفید الف (۱۴۱۴ق.). **الارشاد**. تحقیق اهل البیت (ع). بیروت: دار المفید.
- مفید ب (۱۴۱۴ق.). **الامالی**. تحقیق استاد ولی، بیروت. دار المفید.
- مفید ج (۱۴۱۴ق.). **الکافئة**. تحقیق زمانی نژاد، بیروت: دار المفید.
- نجاشی (۱۴۱۶ق.). **رجال نجاشی**. قم: النشر الاسلامی.
- نسائی (۱۴۰۶ق.). **الضعفاء والمتروکین**. بیروت: دار المعرفة.
- نعمانی (۱۴۲۲ق.). **الغیبة**. تحقیق فارس حسون. قم: انوار الهدی.
- یعقوبی، (بی تا). **تاریخ یعقوبی**. قم. فرهنگ اهل بیت (ع).

References

- Abī al-Faraj Isfahānī (Bī Tā), al-Aghānī, Dār Ihyā', Biyrūt.
- Aḥmad Ibn Ḥanbal (Bī Tā), Masnadi Aḥmad, Dār ṣādir, Biyrūt.
- 'allāmiḥ Hillī (1996), Khulāṣat al-Aqwāl, Taḥqīqī Quyūmī, Nashr al-Fiḡāhah, Qum.
- 'āmilī (1990), al-Taḥrīr al-Tāwūsī, Taḥqīqī Jawāhirī, Maktabah Mar'ashī Najafī, Qum.
- 'ayyāshī (Bī Tā), Tafṣīr al-'ayyāshī, Taḥqīqī Maḡallātī, al-Maktabat al-'ilmīyah, Tihiran.
- Balādhurī (1959), Ansāb al-Ashraf, Taḥqīqī Ḥamīdullah, Dār al-Ma'ārif, bi Miṣr.
- Barqī (1951), al-Maḡāsīn, Taḥqīqī Muḡaddith Irmawī, Dār al-kutub al-Islāmīyah, Tihrān.
- Barqī (Bī Tā) al-Rijāl, Intishārātī Dānishgāhi Tihrān.
- Biyhaqī (1990), Shi'b al-Imān, Taḥqīqī Zaghlūl wa Bundārī, Dār al-Kutub, Biyrūt.
- Dhahabī (1992), Sīyar A'lām al-Nubalā', Taḥqīqī Shu'ayb al-Arnū'ūt, Mu'assisat al-Rasālah, Biyrūt.
- Fattāl Niyshābūrī (Bī Tā), Rawḡat al-Wā'izīn, Taḥqīqī ḡasan Khursān, Sharīf Raḡī, Qum.
- Furāt Ibn Ibrāhīm Kūfī (1989), Tafṣīr Furāt al-Kūfī, Taḥqīqī Muḡammad al-Kāzim, Mu'assisat al-Ṭab' wa al-Nashr, Tihrān.
- Ḥākimi Niyshābūrī (Bī Tā), al-Mustadrak, Taḥqīqī Mar'ashlī, Bī Jā.
- Ḥalabī (1980), al-Sīrat al-Ḥalabīyah, Dār al-Ma'rifah, Biyrūt.
- Ḥasan Ibn Sulīymān Ḥillī (1951), Mukhtaṣar Baṣā'ir al-Darajāt, al-Muṭba'at al-Ḥīdarīyah, Najaf.
- Ḥimyarī Qumī (Bī Tā), Qurb al-Asnād, Taḥqīqī Āl al-Bayt, Mu'assisihyī Āl al-Bayt, Qum.
- Ḥusīyn Ibn 'abd al-Wahhāb (1950), 'uyūn al-Mu'jizāt, Ḥīdarīyah, Najaf.
- Ibn Abī Shaybat al-Kūfī (1989), al-Muṣnaf, Taḥqīqī Sa'īd al-Laḡām, Dār al-Fikr, Biyrūt.
- Ibn 'asākīr (1994), Tārīkh Madīnah Damīshq, Taḥqīqī 'alī Shūrī, Dār al-Fikr, Biyrūt.
- Ibn Athīr (2006), al-Kāmil, Dār Ṣādir, Biyrūt.
- Ibn Athīr (Bī Tā), Asad al-Ghābah, Dār al-Kitāb al-'arabī, Biyrūt.

- Ibn Dāwūd Hillī, (1972), Rijāl Ibn Dāwūd, Taḥqīqi Baḥr al-‘ulūm, Maṭba‘at al-Ḥiydarīyah, Najaf.
- Ibn Ḥajar (1984), Tahdhīb al-Tahdhīb, Dār al-Fikr, Biyrūt.
- Ibn Ḥajar (1994), Taqrīb al-Tahdhīb, Taḥqīqi ‘aṭā, Dār al-Kutub, Biyrūt.
- Ibn Ḥajar (Bī Tā), Silsilat al-dhahab, Taḥqīqi ‘abd al-Mu‘ī, Bī Nā, Bī Jā.
- Ibn Ḥamzih Ṭūsī, (1991), al-Thāqib Fī al-Manāqib, Taḥqīqi ‘ulwān, Anṣārīyān, Qum.
- Ibn ḥibbān (1973), al-Thaqāt, al-Kutub al-Thaqāfiyah, Biyrūt.
- Ibn ḥibbān (1991), Mashāhīri ‘ulamā’ al-Amṣār, Taḥqīqi ‘ali Ibrāhīm, Dār al-Wafā’, al-Manṣūrah.
- Ibn Idrīs (1990), al-Sarā’ir, Nashri Islāmī, Qum.
- Ibn Kathīr (1989), al-Bidāyah wa al-Nihāyah, Taḥqīqi ‘ali Shīrī, Dār Iḥyā’, Biyrūt.
- Ibn Mardūyih (2003), Manāqibi ‘ali Ibn Abī Ṭālib, Taḥqīqi Ḥirz al-Dīn, Dār al-Ḥadīth, Qum.
- Ibn Sa’d (Bī Tā), al-Ṭabaqāt al-Kubrā, Dār ṣādir, Biyrūt.
- Ibn Shahr. Āshūb (1958), Manāqibi Āli Abī Ṭālib, al-Maktabat al-Ḥiydarīyah, Najaf.
- Irbilī (1985), Kashf al-Ghummah, Dār al-Aḍwā’, Biyrūt.
- Iskāfi (Bī Tā), al-Tamḥīṣ, Taḥqīqi Madrisat al-Imām al-Mahdī, Qum.
- Karbāsī (2004), Aklīl al-Mīnhaj, Taḥqīqi Ashkwarī, Dār al-ḥadīth, Qum.
- Kātib Baghdādī (Bī Tā), Tārīkh al-A‘immah, Maktabi Mar‘ashī, Qum.
- Khalīfat Ibn Khayyāt (Bī Tā), Tārīkhī Khalīfih, Taḥqīqi Suihiyl Zakkār, Dār al-Fikr, Biyrūt.
- Dhahabī (1987), Tārīkh al-Islām, Taḥqīqi Tidmurī, Biyrūt, Dār al-Kitab al-‘arabī.
- Khaṣībī (1990), al-Hidāyat al-Kubrā, Mu’assisat al-Balāgh, Biyrūt.
- Khazzāz Qumī (1981), Kifāyat al-Athar, Taḥqīqi Kūh Kamarī, Intishārāti Bīdār, Qum.
- Khūyī (1992), Mu‘jam Rijāl al-ḥadīth, Bī Nā, Qum.
- Kūfi, Ḥusiyān Ibn Sa‘īd (1979), al-Zuhd, Taḥqīqi ‘irfānīyān, al-‘ilmīyah, Qum.
- Kuliynī (1944), al-Kāfi, Taḥqīqi Ghaffārī, Dār al-Kutub al-Islāmīyah, Tīhrān.
- Mizzī (1986), Tahdhīb al-Kamāl, Taḥqīqi ‘awwad Ma’rūf, al-Rasālah, Biyrūt.
- Mubarrad (1956), al-Fāḍil, Taḥqīqi Miymanī, Dār al-Kutub, Miṣr.
- Mufīd (1993), al-Ikhtisās, Taḥqīqi Ghaffārī, Dār al-Mufīd, Biyrūt.
- Mufīd Alif (1993), al-Irshād, Taḥqīqi Āl al-Bayt, Dār al-Mufīd, Biyrūt.
- Mufīd Bī (1993), al-Amālī, Taḥqīqi Ustād Walī, Dār al-Mufīd, Biyrūt.
- Mufīd Jīm (1993), al-Kāfi‘ah, Taḥqīqi Zamānīnīzhād, Dār al-Mufīd, Biyrūt.
- Muḥammad Ibn Khalaf (Bī Tā), Akhbār al-Qaḍāh, ‘alim al-Kutub, Biyrūt.
- Muḥammad Ibn Sulīymān Kūfi (1991), Manāqib al-Imām Amīr al-Mu‘minīn, Taḥqīqi Maḥmūdī, Majma‘ Iḥyā’ al-Thaqāfah, Qum.
- Najāshī (1995), Rijālī Najāshī, al-Nashr al-Islāmī, Qum.
- Nisā’ī (1986), al-Ḍu‘afā’ wa al-Matrūkīn, Dār al-Ma‘rifah, Biyrūt.
- Nu‘mānī (2001), al-Ghiybah, Taḥqīqi Fārs Ḥasūn, Anwār al-Hudā, Qum.
- Qāḍī Nu‘mān (1993), Sharḥ al-Akhhbār, Taḥqīqi Ḥusiyānī Jalālī, al-Nashr al-Islāmī.
- Qazwīnī (Bī Tā), Sunan Ibn Mājīh, Taḥqīqi ‘abd al-Bāqī, Dār al-Fikr, Biyrūt.
- Quṭb al-Dīn al-Rāwandī (1900), Qiṣaṣ al-Anbīyā’, Taḥqīqi ‘irfānīyān, al-Hādī, Qum.
- Ṣadūq (1965), ‘ilal al-Sharā’i’, Taḥqīqi Baḥr al-‘ulūm, al-Maktabat al-Ḥiydarīyah, al-Najaf.
- ṣadūq (1985), Kamāl al-Dīn, Taḥqīqi Qaffārī, al-Nashr al-Islāmī, Qum.
- Salīm Ibn Qiys (2001), Kitābi Salīm Ibn Qiys, Taḥqīqi Anṣārī, Dalīli Mā, Qum.
- Sayyid Ibn Ṭāwūs (1993), Iqbāl al-A‘māl, Taḥqīqi Qayūmī, al-A‘lām al-Islāmī, Qum.
- Sayyid Ibn Ṭāwūs, (1979), Tarā’if, al-Khiyām, Qum.
- Shahīd Thānī (2001), Rasā’il, Taḥqīqi Mukhtārī, Markaz al-Nashr al-Tābī’, Qum.
- Shāhrūdī, Namāzī (1991), Mustadrakāti ‘ilmi Rijāl al-Ḥadīth, Shafaq, Tīhrān.
- Sulīymān Ibn Khalaf (Bī Tā), al-Ta’dīl wa al-Tajrīh, Taḥqīq al-Bazār, Wizārati Uwqāf, Marākīsh.
- Ṭabarānī (1994), al-Mu‘jam al-Awsaṭ, Dār al-Ḥaramiyn, Biyrūt.
- Ṭabarī (1983), Tārīkh al-Ṭabarī, Mu’assisat al-A‘lamī, Biyrūt.

- Ṭabarī, (1994), al-Mustarshad, Taḥqīqī Maḥmūdī, al-Thaqāfat al-Islāmīyah, Qum.
- Ṭabarsī (1996), A'lām al-Warī, Āl al-Bayt, Qum.
- Tafriḥī (1997), Naqd al-Rijāl, Taḥqīqī Āl al-Bayt ('), Mu'assisihyī Āl al-Bayt ('), Qum.
- Ṭayālisī (Bī Tā), Masnadi Abī Dāwūd al-Ṭayālisī, Dār al-Ma'rifah, Biyrūt.
- Ṭūsī (1945), Tahdhīb al-Aḥkām, Taḥqīqī Mūsawī al-Khurāsān, Dār al-Kutub, Tihrān.
- Ṭūsī (1984), Ikhtiyār al-Ma'rifat al-Rijāl, Taḥqīq al-Istarābādī / al-Rajā'ī, Āl al-Bayt ('), Qum.
- Ṭūsī (1990), al-Ghiybah, Taḥqīqī ṭihrānī / Nāṣiḥ, al-Ma'arif al-Islāmīyah, Qum.
- Ṭūsī (1993), al-Amālī, Dār al-Thaqāfah, Qum.
- Ṭūsī (1994), Rijāl al-ṭūsī, Taḥqīq, Quyūmī, al-Nashr al-Islāmī, Qum.
- Tustarī (1998), Qāmūs al-Rijāl, al-Nashr al-Isāmī, Qum.
- Uṣūl al-Sitātī 'ashr min al-Uṣūl al-Awwalīyah (2002), Taḥqīqī Maḥmūdī, Dār al-Hadīth, Qum.
- Ya'qūbī, (Bī Tā), Tārīkh al-Ya'qūbī, Farhangī Ahli Bayt ('), Qum.
- Zarārī, Abū Ghālib (1979), Rasālah Fī al-A'yūn, Taḥqīqī Muwahḥid Abṭahī, Bī Nā, Bī Jā.

The Value of Incongruous Historical Judgments about Imam Sajjād's Special Companions¹

Abbas Mirzaei²

Receive: 27/12/2017
Accept: 12/11/2018

Abstract

There are various narrations and reports about certain companions of Imam Sajjad (a) in Imamiyyah hadith and biographical evaluations (Rijal sources). On the basis of these narrations, some scholars grant this group of companions a special position and status in the history of Imamiyyah hadith. The question is to what extent are these reports in accordance with historical facts? And can these distinctive characteristics which gives them a distinguished status be proved, if we assess these narrations in comparison to other beliefs and narrations? According to existent reports, the authenticity of these reports could not be accepted, because historical data do not support their content. By examining various Shiite and Sunni sources, this article studies the interactions and relationships of this group of companions with Imam al-Sajjad (a) and also their position in the Imamiyya hadith collections. It is showed that aforementioned narrations could not solely provide a proof for a companion's reliability and unique status in the history of Imamiyya school of thought.

Keywords: History of Imamiyya Hadith, Companions of Imam al-Sajjad (a), Abwab, Hawwari

1. DOI: 10.22051/hii.2019.18322.1529

2. Assistant professor, Department of Islamic Doctrinal Thought, Shahid Beheshti University; a_mirzaei@sbu.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493